

# پایه‌های

## مهدی مروّجی

مطالعه طرح ارزش‌یابی برنامه درسی جدید فارسی سوم راهنمایی، از اول اسفند سال ۸۸ به طور رسمی آغاز، و گزارش نهایی آن در ۲۹ شهریور ۸۹ به مرکز اسناد دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه شد. در مدت نزدیک به هشت ماهی که بنده و همکارانم در تلاش برای تهیه گزارش نهایی بودیم، «مفهومی» که بیشترین فراوانی را در داده‌های پاسخ‌دهندگان یعنی صاحب‌نظران، معلمان، مشاهده‌گران، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و از همه مهم‌تر سفارش‌دهندگان این طرح داشت، مفهوم «عجله» بود. برای نمونه، به این گزاره‌ها توجه کنیم:

– گزارش باید تا اردیبهشت ارائه شود، در غیر این صورت برای پردازش با مشکل مواجه خواهیم شد.

– هر چه زودتر گزارش را ارائه کنید تا برای چاپ به موقع، مشکلی ایجاد نشود.

– فرصت بسیار کمی برای چاپ و انتشار آن داریم، بنابراین باید گزارش نهایی هر چه سریع‌تر داده شود.

– زمان برای ارائه مطالب بسیار کم است و ما ناچاریم آن‌ها را به سرعت انتقال دهیم.

بنده و همکارانم این گزاره‌ها را از عزیزی که به نوعی این طرح و گزارش نهایی به آن‌ها گره خورده بود، می‌شنیدیم.

بنده همواره با خود می‌اندیشیدم، چرا باید این همه از سرعت استقبال شود؟ و چرا چنین آگاهانه کیفیت را فدای «سرعت» کنیم؟

باید عرض کنم، متأسفانه امروز «سرعت» فقط یک واژه یا مفهوم بدون بار ارزشی نیست، بلکه یک «علامت اختصاری» برای روش و شیوه‌های زندگی است که بسیاری از اختلالات مثل: سطحی‌نگری، تحلیل‌های بدون استدلال، فشار، شتاب‌زدگی، بی‌صبری و در نتیجه غالب شدن کمیّت بر کیفیت را با خود وارد زندگی ما کرده است. به طوری که می‌توان گفت، این پدیده یکی از موانع مهم رشد و شکوفایی در آموزش و پرورش کشور به حساب می‌آید.

رخته ناآشکار «عجله» این ویروس ضدتفکر و عاقبت‌بینی در برنامه‌های درسی، موجب شده است که نه‌تنها فراگیرندگان نتوانند درباره چرایی و چگونگی آن چه که یاد می‌گیرند، فکر کنند، بلکه معلمان محترم هم (با توجه به مشاهداتم و گزارش‌های مشاهده‌گران در شش استان – به علت ناکافی بودن فرصت – و به دلایلی دیگر مثلاً زیاد بودن حجم محتوا که به کم بودن زمان کمک می‌کنند) نتوانند آن‌چه را که باید یاد بدهند، یاد دهند. این معضل آموزشی و پرورشی را نه‌تنها در مشاهدات، بلکه در نظرخواهی از صاحب‌نظران، معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان تحت پوشش برنامه، دریافت کردم.

افزون بر آن‌ها، در مشاهداتمان، بعضی از دانش‌آموزان را نامطمئن به خود و قابلیت‌هایشان، عصبی و گاهی مضطرب یافتیم. این آسیب‌ها

می‌تواند تا حدودی ناشی از انتظارات برنامه درسی باشد که موجب شده بود آنان بدون داشتن وقت کافی برای انجام تکالیف، به سوالات پاسخ گویند و یا در اثر نبودن فرصت برای خلوت کردن با خود، نتوانسته بودند به استعدادها و توانایی‌های خود پی ببرند.

متأسفانه این شتاب‌زدگی به نوعی در معلمان تحت پوشش طرح نیز احساس می‌شد. بدین معنا هم‌چنان که اشاره شد، کافی نبودن زمان و شتاب برای عقب‌نماندن از اجرای برنامه‌ها طبق آیین‌نامه‌ها – بدون در نظر گرفتن موقعیت‌های جغرافیایی – آنان را سخت‌نگران کرده بود که نکند در موقع مقرر نتوانند برنامه‌های درسی را آن‌طور که آیین‌نامه‌ها خواسته‌اند، اجرا کنند. به همین جهت، وقتی به طور صمیمی پای صحبت آن‌ها می‌نشستی، همه‌اش سخن از نبود فرصت بود و یا کاهش حجم محتوا و یا این‌که کارها باید به سرعت انجام گیرند.

«عجله» افزون بر مدرسه، خانواده را هم درنوردیده است. زیرا فقر زمان را در پرسش‌نامه‌های والدین دانش‌آموزان تحت پوشش این طرح نیز به طور ملموس دریافت کردم.

جای شگفتی این‌جاست که ما در حالی زیر فشارهای ناشی از «عجله» دست و پا می‌زنیم که آموزه‌های دینی‌مان، به طور مکرر ما را به تفکر، تأمل و تدبیر در انجام کارها توصیه می‌کنند. باید توجه کرد، تفکر و تأمل، از طرفی برخلاف «عجله» زمان بر است و از سوی دیگر، به فرمایش **امام علی (ع)** مبدأ بصیرت و کلید هدایت آدمی است و تولید علم را در پی خواهد داشت.

به زعم ایشان، عملی که در آن تفکر و تدبیر نباشد، ارزشی ندارد و خیری در آن نیست. تفکر است که علم فرد را به فهم تبدیل می‌کند. تأمل و تدبیر، رشد، تکامل و شکوفایی استعدادهای انسانی را در پی دارد و غفلت از آن‌ها موجب از دست دادن سرمایه می‌شود. بنابراین، با این سرعت محوری نباید توقع داشت که دانش‌آموختگان ما در مسائل روزمره زندگی فردی و اجتماعی، چون انسان‌هایی فکور و مسئول تصمیم‌گیرند و عمل کنند!

اگر خواهان فراگیرندگانی با تفکر مستقل و مسئولانه، ژرف‌نگر با تواضع علمی، منظم، مفتخر به دیدگاه‌های فردی خود، انعطاف‌پذیر و در یک کلام مؤمن و متعهد هستیم، اگر خواهان تعدیل بسیاری از مشکلات جامعه چون اضطراب، فشارهای روحی و فقر زمان هستیم، اگر در این برهه از زمان خواهان جامعه‌ای در خور اسلام ناب محمدی (ص) هستیم، باید مهلت دهی به تکوین ایده‌ها و آموزش همراه با تفکر را که بنیان آموزش و پرورش مولد است، یکی از رویکردهای آموزش و برنامه‌ریزی درسی قرار دهیم و به عنصر هویت‌ساز تفکر ارج بگذاریم. بنابراین باید «جنون سرعت» را با تفکر و تدبیر مدیریت کنیم.

